

باشیم وقتیکه دوستانه بنشینیم حرفی بزنیم ممکن است بنده را از خطای خود قانع کنند تا اینکه اگر منتیج به نتیجه شد در مجلس علنی مطرح شود و گمانم این است که باین ترتیب آقایان حرفی نداشته باشند چون از اصل يك سابقه داشته است و تصور میکنم ضرری هم نداشته باشد و اما اینکه میفرمایند رأی آنها در مجلس خصوصی هیچ رسمیت ندارد و رسمیت آن ابداً مطرح مذاکره نیست

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکره کافی است - در این موضوع رأی بگیرییم آقایانیکه موافق نیستند که مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی يك جلسه خصوصی منعقد شود . . .

مدرس - رأی گرفتن لازم نیست این يك تقاضای قانونیست

نایب رئیس - بلی قانون اساسی اجازه نمیدهد که رأی بگیرییم

آقاسید فاضل - بنده پیشنهاد میکنم که روز شنبه جلسه خصوصی باشد و جلسه رسمی روز یکشنبه باشد

نایب رئیس - رأی میگیرییم بتقاضای آقاسید فاضل آقایانیکه تصویب میکنند جلسه خصوصی روز شنبه باشد قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - آقای معاون وزیر عدلیه فرمایشی دارند ؟

معاون وزارت عدلیه - متأسفانه بنده میخواهم شکایت کنم از کمیسیون عدلیه در صورتیکه بزرگترین وظیفه مجلس همان نوشتن قانونست خصوصاً وقتیکه آن قانون مجازات باشد از آن وقتیکه قانون مجازات عدلیه ارجاع بکمیسیون شده است هنوز اعضاء کمیسیون سر وقت در کمیسیون حاضر نشده اند در صورتیکه اولین چیزیکه برای این مملکت اهمیت دارد و لازم است قانون مجازات است و آقایان اعضاء کمیسیون هیچ اهمیت باین مسئله نمیدهند و موقع حاضر نمی شوند در صورتیکه نمایندگان تصدیق خواهند کرد که امروز قانون مجازات خیلی اهمیت دارد و باید خیلی زود بگذرد بنده از مجلس استعفا دارم بهر وسیله که اصلاح است يك تا کید و توجهی بفرمایند که در این مسئله یکقدری دقت شود و زودتر این قانون بگذرد

عدل الملک مخبر - چون بعضی کارهای مهم دیگری در کمیسیون است که اهمیت دارد و مطرح مذاکره است باین قانون مجازات مصادف شده است که یکقدری طول کشیده البته بعد از تمام شدن آن کارها کمیسیون چه میکند که زودتر راپورت خودش را بدهد و اینکه میفرمایند اعضاء کمیسیون سر وقت حاضر نمیشوند و کمیسیون منعقد نمیشود تصور نمیکنم اینطور باشد بواسطه اینکه خیلی کم اتفاق افتاده است عده کافی نباشد فقط چیزیکه هست چیزهاییکه در کمیسیون مطرح مذاکره است يك اصل دارد که تا آن اصل حل نشود نمیشود داخل در قانون مجازات شد و در خصوص اهمیت قانون البته خود کمیسیونهم تصدیق دارد که قانون مجازات خیلی اهمیت دارد و اعضاء کمیسیونهم مواظبت خواهند کرد که انشاءالله بزودی راپورت آنرا تقدیم نمایند و تمهید میکنند که دقت فرموده و زودتر راپورت خودشانرا بدهند

نایب رئیس - جلسه آتی هم روز یکشنبه سه ساعت قبل از ظهر و دستور آن شور در بقیه قانون یستی خواهد بود (مجلس تقریباً بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۴۸

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۹

شهر رجب المرجب ۱۳۲۳

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای معذل الدوله نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۶ قرائت شد .

غائبین با اجازه - آقایان : ناصر الاسلام - حاج شیخ اسمعیل .

نایب رئیس - در صورت مجلس نظریاتی هست؟ (مخالفتی نشد) نظری نیست صورت مجلس تصویب شد . مذاکرات امروز بقیه شور دوم قانون یستی است از ماده (۱۱) .

(ماده ۱۱ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱ - اداره پست مجاز است که مراسلات غیر قابل توزیع را یعنی مراسلاتی را که اداره پست نمی تواند بفرستد و گیرنده برساند باز نماید تا بتواند اطلاعات لازمه را از محتویات آنها بدست آورده و مراسلات مذکور را یا اشیاء و اسناد قیمتی که در جوف آنهاست بصاحبانش برساند این افتتاح در اداره مرکزی پست توسط يك نفر مدیر شعبه و در حضور دونفر از مستخدمین پست معمول میشود مراسلات غیر قابل توزیع که صاحبی از برایش پیدا نشود پس از انقضای مدتی که تعیینش بادولت است معدوم خواهد گردید ولی یا کتهای قابل توزیع زود تر از یکسال معدوم نخواهد شد .

حاج شیخ محمد حسن گروسی - در اینجا نوشته شده است اداره پست مجاز است که مراسلات غیر قابل توزیع را باز نماید (تا میرسد به آنجائیکه میگوید (مراسلات غیر قابل توزیع پس از انقضای مدتی که تعیینش بادولت است معدوم خواهد شد) این جمله باجمله بعدش که مینویسد (ولی یا کت های غیر قابل توزیع زودتر از یکسال معدوم نخواهد شد) تنافی دارد اگر موضوع این دو جمله يك چیز است که این دو جمله باهمدیگر تنافی دارد و اگر دو چیز نیست خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که رفع شبهه از بنده بشود .

مخبر - خیر . این دو جمله یکی است ولی اینجا خواسته است بفهماند که یا کتهای غیر قابل توزیع تا یکسال معدوم نخواهد شد ممکن است دولت مدت را دو سال سه سال یا بیشتر قرار بدهد ولی زودتر از یکسال معدوم نخواهد شد .

حاج شیخ محمد حسن - حالا که فرمودند موضوع دو جمله یکی است خوب بود این طرز نوشته میشد (ولی مدتی را که دولت معین میکند کمتر از یکسال نخواهد بود) چون اگر عبارت را بهمین صورت باقی بگذاریم گاه میشود که در يك مورد هشت ماه یا ششماه معین کنند در اینصورت این مطلب تنافی با فقره بعد پیدا میکند اگر این قسم نوشته شود که مدت کمتر از یکسال معین نمیشود باین طریق رفع اشکال میشود و الا اگر بهال خود بگذاریم فقط در يك مورد این دو جمله باهم موافقت

پیدا میکنند و آن مورد در صورتی است که دولت یکسال معین کرده باشد والا اگر هفت ماه هشت ماه معین کند تنافی پیدا میکند فقط اتعاد این دو جمله در يك صورت است و آن وقتی است که دولت کمتر از یکسال معین نکند

مخبر - خوبست پیشنهاد کنید

حاج شیخ محمد حسن - پیشنهاد میکنم

حاج شیخ حبیب الله - می فرماید مراسلات غیر قابل توزیع که صاحبش الی آخر و بنظر بنده هیچ محتاج الیه نیست که نوشته شود (ولی یا کات غیر قابل توزیع زود تر از یکسال معدوم نخواهد گردید) بجهت این که یا کت جزء همان مراسلات است اگر این عبارت اخیر راجع بهمان مطلب اول است که محتاج مذاکره آن نیستم و اگر غیر از این است بفرمایند تا معلوم شود

نایب رئیس - ماده ۱۲ خوانده میشود تا پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن برسد

(ماده مزبوره بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۱۲ - وجوهاتی که بداره پست سپرده می شود و وجوهی که در یا کات غیر قابل توزیع یافت میشود و بستخانه بهیچوجه نمی تواند بصاحبانش برساند پس از اعلان رسمی و انقضای مدت ۳ سال از تاریخ تحویل بستخانه ضبط خزانه دولت میشود و همچنین اشیائیکه در امانات یستی غیر قابل توزیع و صاحبان آنها معلوم نیست بترتیب و مدتی که اداره پست تعیین مینماید بفروش رفته و قیمت آنها در صورتی که از طرف صاحبانش مطالبه نشود پس از انقضای مدت فوق الذکر متعلق به خزانه دولت خواهد بود .

حاج شیخ محمد حسن گروسی - در این ماده می گوید (وجوهیکه در یا کتهای غیر قابل توزیع یافت میشود و همچنین اشیائی که در امانات یستی یافت می شود که بستخانه نمی تواند بصاحبانش برساند بترتیبی که اداره پست معین مینماید بفروش رفته پس از انقضای مدت معینه متعلق بخزانه دولت خواهد بود) چون بعضی اشیاء سریع الفساد است در آنها لازمهاش این است که بفروشد ولی بعضی اشیائی که سریع الفساد نیست خوب است عین آن اشیاء تا انقضای مدت بماند بلکه صاحبش پیدا نشود آن وقت باو بدهند و اگر سریع الفساد است بهمین ترتیبی که نوشته شده است رفتار شود ولی اگر قابل ضبط است ضبط شود و عینش بماند بلکه صاحبش پیدا شود

حاج شیخ اسدالله - در این جا نوشته شده است پس از انقضای موعده فوق الذکر متعلق به دولت خواهد بود در شور اول هم راجع به این فقره پیشنهادی شد که وجوهی که از اینمحل پیدا میشود بمصارف خیریه و مدارس ایتم مصرف شود و به این پیشنهاد رأی گرفته محل توجه شد و بکمیسیون رفت معذالك کمیسیون عین ماده را عودت داد است و ابتدا متعرض آن پیشنهاد نشده است بنده عقیده ام اینست بهمان طور که پیشنهاد شده است و مجلس هم قابل توجه قرار داده نوشته شود که (وجوه عائدی از اینمحل بمصارف خیریه برسد) حالا اگر عبارت را بخواهند تغییر بدهند حرفی نیست اگر چه تمام وجوه

باید بجزایه دولت برسد ولی باید مصرفی برای آن قرار داد که این قبیل وجوه بمصرف ایتم و مدارس و مریضخانه برسد

مخبر - علت این که در کمیسیون این پیشنهاد قابل توجه نشد این بود که اگر به اداره پست اختیار داده میشد که خودش این وجوه را بمصارف خیریه برساند این عبارت نوشته میشد خیلی خوب بود ولی در صورتیکه اداره پست باید تعویب بوزارت مالیه بدهد تکلیف اداره مالیه است این کار را صورت بدهد در این صورت وقتی که قوانین مالیه از مجلس میگذرد باید نوشته شود این قبیل وجوه که از هر اداره بجزایه دولت میرسد باید دولت به مصارف خیریه برساند این مسئله ربطی بقانون پستی ندارد اداره پست فقط تکلیفش این است که این قبیل وجوه را که میرسد بجزایه دولت تسلیم نماید و بهیچوجه اداره پست نمیتواند این وجوه را جزو دخل پستی محسوب بدارد البته این وجوه را که ضبط شده باید بجزایه دولت بدهد .

لهذا باید این مطلب در قانون مالیه نوشته شود نه در قانون پستی .

حاج سید اسدالله قزوینی - در شورای اول این مطلب گفته شد و حالا هم گفته میشود نباید آنرا چرا طرف توجه نمایندگان محترم نشد اگر مقصود این است همبطور که نوشته اند متعلق بدولت خواهد شد و آقای مخبر هم میفرمایند که در اینجا نباید نوشت بنده عرض میکنم در این قانون صریحاً نوشته شده است متعلق بجزایه دولت خواهد شد و حال آنکه ابتدا متعلق بدولت نیست و شما که این قانون را مینویسید و بدست دولت میدیدید ابتدا موافقت با قوانین شرع انور ندارد سر مردم را نمیشود بچاند اگر این ماده همین طور باقی بماند مخالف با شرع است و قانونی که مخالف با شرع باشد قانونیت پیدا نخواهد کرد - زیرا مال مجهول المالك متعلق بکسی نخواهد شد و باید بمصارف بره برسد آنهم بتصویب حاکم شرع .

معتصم السلطنه - در اینجا چیزی که مخالف قانون شرع باشد دیده نمیشود و بطوریکه آقای مخبر فرمودند این مطلب جایش در قانون پست نیست و جوی که در پاکت یافت نمیشود اداره پست باید بداد مالیه تسلیم کند ممکن است آقای حاج سید اسدالله یادگیران چند ماده قانون بنویسند و پیشنهاد کنند که این قبیل وجوه باید بمصرف ایتم و مدارس و سایر امور خیریه برسد و متعلق بدولت نیست تا اینکه موافق قانون شرع مصرف شود مقصود اینست که چون اداره پست این وجوه را بمصرف نمیرساند و باید بجزایه دولت تسلیم کند باینجهت نمیشود این مطلب را جزء قانون پستی نوشت .

حاج شیخ حبیب الله - عرض میکنم در اینجا غیر از این ترتیب شکل دیگری هست اصلاً نباید این ماده اینطور نوشته شود بواسطه اینکه حال دولت نباید از حال ادنی مردم پست تر باشد زیرا اگر یک مالی را بیک شخص ضعیفی یا بیک مکاری بسیاریم بعد از مدتی آن شخص آن مال را پس میدهد در این ماده نوشته شده است امانتی که صاحبش پیدا نشد آن امانت بدولت سیرده میشود و در اینصورت باید

از بین برود این هیچ صحتی ندارد و باید همانطور که آقا سید اسدالله فرمودند بپواردیکه شارع مقدس معین کرد است برسانند خدای تعالی در قرآن مجیدش میفرماید (ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها) باید امانات باهلش برسد اینها امانت است کسی نمیتواند تصرف در آنها کند (این يك مقدمه) مقدمه دیگر آنکه مینویسد (بعد از يك مدتی آن امانت را بمفروشد کسی چه حقی دارد مال دیگری را بفروشد این چه چیز است که نوشته شده است مفروشد و بدهم متعلق بدولت خواهد بود چرا باید بفروشد و چرا باید متعلق بدولت باشد .

نایب رئیس - اما این مسئله را که فرمودند مخالف با شرع است عبارت این ماده ابتدا مخالف با احکام شرع نیست پیشنهاد آقای مدرس فرمودند قرائت میشود و رای میکنیم .

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که بعنوان تبصره بعد از ماده دوازدهم نوشته شود دوقره وجوه در ماده فوق که بعد از انقضای مدت صاحبش پیدا نشده باید بمصارف خیرات عمومی برسد .

نایب رئیس - آقای مدرس توضیحی دارید **مدرس** - محتاج بتوضیح نیست میخوانم تصدیق بکنم فرمایش آقای مخبر راه همبطور است که فرمودند البته اموال دولت هر کدام مصرفی دارد که بعد از انشائه زیادتر خواهد شد مصرف عمده این قبیل وجوه مریضخانه و مدرسه ایتم است و اینهم جزء آن اموال دولت است که باید صرف این قبیل مصارف خیریه بشود و باید این مطلب در این ماده تصریح شود و مقصود ما از این تبصره اینست که بعد از آنکه تحویل خزانه داری شد مصرفش معلوم باشد و اشتباه نشود که صرف جای دیگر نشود و باید معلوم باشد که این چه مالی است و باید بچه مصرف برسد .

مخبر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم .

نایب رئیس - حالا که قبول میکنند در این ماده با این تبصره رای گرفته میشود .

مخبر - فقط باید لفظ دولت اضافه شود که دولت این وجه را باید بمصرف برساند .

مدرس - در اینجا داشت که دولت تصرف میکند و در این تبصره هم مقصود این است که دولت خواهد گرفت و بمصارف خیریه خواهد رسانید

نایب رئیس - پس ماده با این تبصره خوانده میشود و رای گرفته خواهد شد .

(ماده مزبوره با اضافه پیشنهاد آقای مدرس تانیا قرائت شد)

نایب رئیس - قبل از آنکه رای گرفته شود پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا کرده اند که همین مضمون است قرائت میشود بعد رای میکنیم .

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود بجزایه دولت سیرده میشود که بمصارف خیریه برسد .

محمد هاشم میرزا - چون در ماده نوشته است متعلق بدولت خواهد بود در این صورت بدولت تعلق را میسراند که این وجوه جزء مالیه دولت خواهد شد باینجهت بنده نوشته ام بجزایه دولت

قبض دولت از میان میرود و اعتباری برای اداره پست باقی نمی ماند

حاج شیخ حبیب الله - این قبض را که فرمودند قرینه و علامت است نه این است که طلب اورا ایت کند این قبض قرینه و نشانه است نه اینکه دلالت بر طلب داشته باشد پستخانه هم اعتبار دارد اگر اداره پست اعتبار نمیداشت مردم مالشانرا با آنجا نمی دادند لهذا ذکر این مطلب لازم نیست و باید حذف شود .

مدرس - محض استحضار خاطر بعضی از آقایان عرض میکنم اداره پستخانه در حقیقت وکیل از دو طرف است هم از طرف فرستنده هم از طرف گیرنده لهذا من همجهت میفهمم که وقتی مال بدست اورسید مثل این است که بدست همان طرف رسیده باشد و اینکه بعضی از آقایان میفرمایند بدست صاحب رسیده است بنده عرض میکنم چون اداره عموماً از طرف مردم وکیل است لهذا در واقع بدست صاحب رسیده باینجهت در قانون نوشته اند که بعد از آنکه قبض بدست طرف رسید فرستنده نمیتواند پس بگیرد بلی اگر اداره پست اجنبی بود همبطور بود که بعضی از آقایان میفرمایند ولی فرض این است است که اجنبی نیست لهذا وقتی که بدست او میرسد در واقع بدست طرف رسیده و گمان نمیکند در قانون اشکالی نباشد

نایب رئیس - اگر مذاکرات را آقایان کافی میدانند رای گرفته میشود .

نایب رئیس - پس آقایانیکه با این ماده موافقت قیام خواهند فرمود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ - فرستنده هر شیئی حق دارد که مرسل خود را از پستخانه پس بگیرد یا آنکه از اداره بخواند که آن شیئی مرسل بشخص دیگری غیر از صاحب عنوان اولش داده شود یا آنکه محل دیگر فرستاده شود ولی وقتیکه مرسل بمحل مقصد رسیده و صاحب عنوان اولی از ورود آن مطلع گردید یا از پستخانه مطالبه کرد دیگر بدون رضایت او فرستنده نمیتواند هیچ تصرفی در مرسل خود بنماید

نایب رئیس - در این ماده ۱۳ مخالفی هست

حاج شیخ حبیب الله - اداره پست حامل امانات است نه حاکم امانات چه حق دارد که بگوید شما حق ندارید مال خودتانرا پس بگیرید من باب مثل عرض می کنم که من هزار تومان میدهم برای فلان تاجر ببرند و بعد بمن خبر می رسد که آن تاجر ورشکست شده است فوری اطلاع میدهم که پول را ندهند ولی اگر اینطور باشد من دیگر حق نخواهم داشت و یکی مال مردم از بین خواهد رفت عرض کردم اداره پست حاکم امانات نیست حامل امانات است پس چه حق دارد در امانات مردم حکومت کند .

عبد الملك - اداره پست وقتیکه يك امانتی قبول میکند که برای طرف فرستنده يك قبض فرستنده میدهد و جوف پاکت خودش میگذارد و برای طرف مقابل میفرستند وقتیکه این قبض بدست طرف رسیده البته میتواند مطالبه و دریافت کند این قبض سند دولت است اگر اینطور باشد که بعد از رسیدن قبض هم فرستنده بتواند هر نوع تصرفی در مال خودش بکند بکلی اعتبار

لازم بتکرار نیست .

عبد الملك - اداره پست وقتیکه يك امانتی قبول میکند که برای طرف فرستنده يك قبض فرستنده میدهد و جوف پاکت خودش میگذارد و برای طرف مقابل میفرستند وقتیکه این قبض بدست طرف رسیده البته میتواند مطالبه و دریافت کند این قبض سند دولت است اگر اینطور باشد که بعد از رسیدن قبض هم فرستنده بتواند هر نوع تصرفی در مال خودش بکند بکلی اعتبار لازم بتکرار نیست .

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد مینمایم که اشیائی که سریع الفساد نیستند تا آخر مدت مضروب باقی گذاشته شود .

نایب رئیس - آقای حاج شیخ محمد حسن توضیحی دارید ؟

حاج شیخ محمد حسن - توضیح دادم دیگر لازم بتکرار نیست .

نایب رئیس - در قابل توجه بودن این پیشنهاد رای میکنیم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - رد شد - آقایانی که با ماده ۱۲ موافقت قیام خواهند فرمود .

(غالباً قیام نمودند و ماده ۱۴ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ - امتیاز انحصاری طبع و فروش تمبر پست و سایر علامات راجعه بعقود پستی با دولت است .

نایب رئیس - در این ماده مخالفی هست ؟

حاج شیخ محمد حسن - اینجا که نوشته شده است امتیاز انحصاری طبع و فروش تمبر با دولت است راجع بیست نیست پادولت است .

حاج شیخ محمد حسن - پس بنده اشتباه کرده ام .

سردار معظم - بنده يك توضیحی میخوانم اگر چه در شور اول بنده نظرم این بود که انحصار تمبر را از پستخانه بگیرند و بدولت بدهند ولی چون قبلاً يك قانون دیگری از مجلس گذشته است باید این قانون طوری نوشته شود که مخالفت و تمایزی با آن قانون نداشته باشد و آن قانون تشکیلات مالیه است . مادر قانون تشکیلات مالیه طبع تمبر را واگذار کردیم بوزارت مالیه حالا این مسئله در قانون پستی نوشته شده است در عمل اسباب اشکال میشود و تصور میکنم تمبرهای راجع بهالیه را باید وزارت مالیه تهیه کند و تمبر های راجع به پستخانه را اداره پست تهیه کند در صورتیکه نباید اینطور باشد و اوراق قیمتی را نباید ادارات مختلفه تهیه کنند بلکه باید طبع اوراق قیمتی در یکجا تمرکز پیدا کند که دولت کاملاً از حساب آنها بتواند اطلاع داشته باشد لهذا مطابق قانون تشکیلات مالیه وزارت مالیه را از برای اینکار تعیین کرده اند پس بنا براین باید این مسئله در اینجا تصریح شود که باید تمبر و اوراق قیمتی در آنجا تهیه شود و بعد چنانکه در تشکیلات مالیه نوشتیم با ادارات مربوطه تحویل داده شود چون اوراق قیمتی خیلی است تمبر در عدله لازم است در پستخانه لازم است و در تلگرافخانه شاید بعد از این لازم بدانند بقبوض الصاق شود و همبطور از برای نوافل لازم است خیلی از ادارات مختلفه هستند که اوراق قیمتی لازم دارند که اگر ما بتمام این ادارات اجازه تهیه اوراق قیمتی را بدهیم اسباب اشکال میشود پس باید يك اداره متصدی اینکار باشد و آن اداره البته بر حسب طبیعت باید وزارت مالیه باشد و بعد بقدر لزوم با ادارات مختلفه تحویل بدهد .

حاج شیخ اسدالله - در فرمایش منطقی که آقای سردار معظم فرمودند آقایان قیام کنند کما کنند

معاون وزارت پست و تلگراف - بله اینکه در این ماده مذاکره نکردم برای این بود که بنده هیچ اختلافی نمی بینم دولت یعنی چه یا وزارت مالیه یا وزارت پست هر کدام را فرض کنید دولت است اما برخلاف این عقیده که اظهار فرمودند لفظ (دولت) را بهتر میدانم چرا ؟ بعلم اینکه اگر

قبض دولت از میان میرود و اعتباری برای اداره پست باقی نمی ماند

حاج شیخ حبیب الله - این قبض را که فرمودند قرینه و علامت است نه این است که طلب اورا ایت کند این قبض قرینه و نشانه است نه اینکه دلالت بر طلب داشته باشد پستخانه هم اعتبار دارد اگر اداره پست اعتبار نمیداشت مردم مالشانرا با آنجا نمی دادند لهذا ذکر این مطلب لازم نیست و باید حذف شود .

مدرس - محض استحضار خاطر بعضی از آقایان عرض میکنم اداره پستخانه در حقیقت وکیل از دو طرف است هم از طرف فرستنده هم از طرف گیرنده لهذا من همجهت میفهمم که وقتی مال بدست اورسید مثل این است که بدست همان طرف رسیده باشد و اینکه بعضی از آقایان میفرمایند بدست صاحب رسیده است بنده عرض میکنم چون اداره عموماً از طرف مردم وکیل است لهذا در واقع بدست صاحب رسیده باینجهت در قانون نوشته اند که بعد از آنکه قبض بدست طرف رسید فرستنده نمیتواند پس بگیرد بلی اگر اداره پست اجنبی بود همبطور بود که بعضی از آقایان میفرمایند ولی فرض این است است که اجنبی نیست لهذا وقتی که بدست او میرسد در واقع بدست طرف رسیده و گمان نمیکند در قانون اشکالی نباشد

نایب رئیس - اگر مذاکرات را آقایان کافی میدانند رای گرفته میشود .

نایب رئیس - پس آقایانیکه با این ماده موافقت قیام خواهند فرمود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ - فرستنده هر شیئی حق دارد که مرسل خود را از پستخانه پس بگیرد یا آنکه از اداره بخواند که آن شیئی مرسل بشخص دیگری غیر از صاحب عنوان اولش داده شود یا آنکه محل دیگر فرستاده شود ولی وقتیکه مرسل بمحل مقصد رسیده و صاحب عنوان اولی از ورود آن مطلع گردید یا از پستخانه مطالبه کرد دیگر بدون رضایت او فرستنده نمیتواند هیچ تصرفی در مرسل خود بنماید

نایب رئیس - در این ماده ۱۳ مخالفی هست

حاج شیخ حبیب الله - اداره پست حامل امانات است نه حاکم امانات چه حق دارد که بگوید شما حق ندارید مال خودتانرا پس بگیرید من باب مثل عرض می کنم که من هزار تومان میدهم برای فلان تاجر ببرند و بعد بمن خبر می رسد که آن تاجر ورشکست شده است فوری اطلاع میدهم که پول را ندهند ولی اگر اینطور باشد من دیگر حق نخواهم داشت و یکی مال مردم از بین خواهد رفت عرض کردم اداره پست حاکم امانات نیست حامل امانات است پس چه حق دارد در امانات مردم حکومت کند .

در قانون تشکیلات مالیه نوشته باشد تهیه تمبر متعلق بهالیه است یعنی وزارت مالیه بکروزی برای صرفه دولت لازم بدانند که با اداره پست اجازه میدهد ترتیب منظمی اینکار را بکنند حالا در این ماده که نوشته است با دولت است در واقع ما اختیار را بدولت واگذار کردیم چه وزارت پست چه وزارت مالیه فرق نمیکند تمام اینها بااصاله دولت هستند در اینصورت این مذاکرات چندان لازم نیست .

نایب رئیس - يك پیشنهادی از طرف آقای وقار السلطنه شده است قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که بجای (پادولت) نوشته شود باوزارت مالیه است .

وقار السلطنه - اگر چه این مطلب در قانون تشکیلات وزارت مالیه نوشته شده است ولی گمان میکنم اگر در قانون پستی هم تصریح شود چندان ضرری نداشته باشد .

نایب رئیس - آقای سردار معظم فرمایشی دارید بفرمائید .

سردار معظم - در پیشنهاد غیر از امضاء کمیسیون کسی نمیتواند حرف بزند اگر پیشنهاد را خوانده بودید ممکن بود بنده هم عرض خود را عرض کنم .

نایب رئیس - پس رای میکنیم به پیشنهاد آقای وقار السلطنه آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - رد شد - پس رای میکنیم بماده آقایانی که با این ماده بطوریکه قرائت شد موافقت قیام فرمایند .

(عده قبلی قیام نمودند)

(ماده ۱۴) و ماده (۱۵) بمضمون ذیل قرائت شد

افتتاح کلیه اشیائیکه به پستخانه سیرده میشود باستثنای موقعیکه در فصل یازدهم تصریح شده و انکشاف مندرجات مراسلات بهر وسیله که باشد و اطلاع شخص ثالثی از مرابطات اشخاص پس بیکدیگر قذفن اکید است .

نایب رئیس - در ماده (۱۵) مخالفی نیست (اظهاری نشد) رای میکنیم آقایانیکه بماده (۱۵) موافقت قیام فرمایند .

اغلب قیام نمودند

نایب رئیس - تصویب شد ماده (۱۶) قرائت میشود .

(بدین مضمون قرائت شد)

حقوق پستی یا کتبهای متعارف که در زمان ارسال پول پست آن داده شود و از داخله مملکت بداخله مملکت ارسال گردد در صورتیکه بیش از دو مثقال وزن نداشته باشد شش شاهی است و برای هر مثقال یا کسر مثقال سه شاهی بر آن افزوده می شود و پاکت هائیکه از يك نقطه الی دو فرسخ اطراف فرستاده می شود که در آن محل پستخانه باشد اداره پست ممکن است تخفیف در حقوق پستی بدهد ولی حقوق پستی یا کتبهائی که در يك محل تحویل و توزیع می شوند حداکثر دو مثقال سه شاهی و حداقل دو مثقال یکشاهی است و موکول بنظر اداره پست است .

نایب رئیس - در ماده (۱۶) مخالفی هست ؟

حاج شیخ حبیب الله - در این جا دو مطلب که راجع باصلاح هبارتی است یکی اینکه نوشته شده است دو مقال شش شاهی و بعد برای هر مقال با کسر مقال سه شاهی و دیگر اینکه نوشته شده است یا کت هائیکه از يك نقطه الی دو فرسخ اطراف فرستاده می شود (الی دو فرسخ اطراف) قلمظ است باید نوشته شود (بسی اطراف) اما مطلبی که لازم است عرض کنم این است که در اینجا نوشته شده است (ممکن است) امکان یعنی چه وقتی نوشته شد ممکن است تخفیف بدهند ممکن است هیچ نگیرند پس باید معین کنند که چه اندازه تخفیف بدهند تا ما بتوانیم رأی بدهیم چیزی را که نماندیم چه قدر است چطور می توانیم رأی بدهیم و اما اینکه نوشته شده است حداقل یک شاهی و حد اکثر دوشاهی و مو کول بنظر اداره است باز هم این مسئله حکم امکان را دارد و قابل رأی نیست زیرا چیزی که معین نشده است و نمی دانیم چه چیز است چطور می توانیم رأی بدهیم.

مخبر - اولاً اصلاح عبارتی همان طور که گفته شد بکمیسیون رجوع می شود اما اینکه نوشته شده است اداره است ممکن است تخفیف بدهد برای این است که ممکن است در يك جایی یا کت خیلی زیاد باشد و برای اداره است صرفه داشته باشد در این صورت اداره است در کرایه تخفیف بدهد و يك شاهی یا دوشاهی گرفته میشود و اگر يك جایی یا کت زیاد نباشد و همه مهدودی یا کت بیستخانه بیاورند مخارج اداره است زیادتر از عایداتش میشود البته اداره است باین کرایه کفایت نمیکند. این است که باختلاف در هر جایی قیمتی میگردد.

حاج شیخ حبیب الله - عرض کردم این عنوان (معین است) کفایت نمیکند اگر بنا باشد حد معین کنند دیگر (ممکن است) معنی ندارد یعنی اگر یا کت کم بیاورند همینطور که از تمام مردم شش شاهی بگیرند در آنجا هم شش شاهی بگیرند و اگر یا کت زیاد بیاورند باید همینطور که برای دو مقال شش شاهی معین میکنند باید آنجا هم حدی معین کنند دیگر بعضی را سه شاهی و بعضی را یک شاهی گرفتن چه معنی دارد چرا حد معین نمیکند؟

عادل الملک - چنانکه فرمودند اگر يك کلمه مهمی باشد هم لازم نیست توضیح بدهند البته لفظ (ممکن است) برای اینست که در بعضی مواقع لازم تخفیف بدهند و علاوه بطوری که آقایان گفته اند تمام مواقع اجازه نمیدهند که يك قاعده کلی را منظور بدارند مثلاً يك ترتیبی که در طهران معمول است در همدان آن ترتیب را نمیتوانند قبول کنند و ممکن است در آنجا بصد دینار سه شاهی یا کت را قبول کنند و بفرستند حداقل و اکثر در همه قوانین معمول است و موافقی را که قانون گذار مردداست حداقل و اکثر معین میکنند و اینماده هیچ اشکالی ندارد.

نایب رئیس - رأی میگیریم در ماده (۱۶) آقایانیکه موافقت قیام نمایند. (غالب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده (۱۷) قرائت میشود.

نایب رئیس - در ماده (۱۷) مخالفی هست ؟

ماده - ۱۷ - هر یا کتی بدون ادای حقوق است بیست خانه داده میشود و گیرنده بخواهد او را قبول نماید دو برابر حقوق معینه در فصل سابق از گیرنده آن یا کت دریافت خواهد شد مکاتبات بدون تمبری که از طرف فرماندهان کشتی بر حسب مسطورات فصل چهارم این قانون به است داده میشود از اجرای مندرجات این فصل مستثنی است و معاف هستند فقط معادل حقوق متعارفه است از گیرنده یا کت دریافت خواهد شد.

نایب رئیس - مخالفی نیست ؟
حاج شیخ محمد حسن - بنده در این باب دو پیشنهاد کرده ام حاضر است قرائت شود.
حاج شیخ حبیب الله - در این ماده در یا کتهائی که در داخل مملکت فرستاده میشود از میان مردم و فرماندهان کشتی فرق گذاشته است (که از مردم و مقابل و از فرماندهان کشتی يك مقابل گرفته شود.)

چه فرق میان فرماندهان کشتی و مردم است که باید از دیگران ۲ مقابل و از فرماندهان کشتی يك مقابل گرفته شود و حال آنکه دولت در اینجا حق خودش را معین میکند در صورتیکه هر دو ایرانی و هر ۲ در ایران هستند چه جهت دارد از من که مثلا فرمانده کشتی هستم باید يك مقابل و از دیگران دو مقابل گرفته شود.

مخبر - البته باید در شهرها ۲ مقابل بگیرند بجهت اینکه مردمانی که در شهرها هستند البته تمیر برای آنها موجود است و وقتی که تمیر نمیزند معلوم است عمدا این کار را کرده اند اما در کشتی وقتی که يك کسی يك کافندی را میاورد فرمانده کشتی میدهد و تمیر ندارد معلوم است عمدا این کار را نکرده البته تمیر نداشته است این است که نوشته شده است از فرماندهان کشتی وقتی که يك یا کتی بآنها تسلیم میشود و آن فرمانده کشتی يك بندری وارد میشود آن یا کت را به بیستخانه آنجا میدهد کرایه را باید يك برابر بدهد.

نایب رئیس - دو فقره پیشنهاد از آقای حاج شیخ محمد حسن است که قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)
در فصل (۱۷) دو فقره پیشنهاد مینمایم - يك فقره معذوف بودن اینماده و يك فقره عوض دو برابر حقوق معینه الی آخر نوشته شود حقوق متعارفه از گیرنده اخذ شود.

نایب رئیس - این دو فقره که مرقوم فرمودند یکی راجع بحذف است حذف نمینمایند پیشنهاد کنید پس چیزیکه می ماند فقره دوم است.

حاج شیخ محمد حسن - این دو فقره را در ماده پیشنهاد کرده ام اگر اولی قبول شد که اینماده حذف میشود و اگر قبول نشد بآن ترتیب که در فقره ثانی پیشنهاد کرده ام آنطور نوشته شود.

نایب رئیس - حذف را نمیتوانم رأی بگیریم و نماینده نمیتواند حذف ماده را پیشنهاد کند.

حاج شیخ محمد حسن - نمی دانم جهتش چیست که نمی توانم حذف این ماده را پیشنهاد کنم.

نایب رئیس - مطابق نظامنامه داخلی مجلس نمی توانیم در فقره اولی که راجع بحذف است رأی بگیریم در فقره ثانی اگر توضیحی دارید

بفرمائید

حاج شیخ محمد حسن - در فقره ثانی توضیح میدهم اینکه نوشته شده است (دو برابر گرفته میشود) در صورتیکه کس دیگر کافند را که می نویسد دیگری بولش را میدهد دیگر این (دو برابر) بی جا است.

نایب رئیس - بسیار خوب رأی میگیریم. قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قبلی قیام نمودند)
نایب رئیس - در ماده (۱۷) همانطوریکه قرائت شد آقایانیکه ماده (۱۷) را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند ماده ۱۷ تصویب و ماده ۱۸ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۱۸) - حقوق ینی کرات پستالها بیکه از داخله بداخله مملکت ارسال میشود دوشاهی است و حقوق کارت پستالها بیکه ورفه مخصوصی برای جواب بان ملصق است چهار شاهی.

نایب رئیس - در ماده (۱۸) مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) ماده (۱۸) رأی میگیریم آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد. ماده ۱۹ قرائت میشود.

ماده (۱۹) - حقوق ینی مجلات متناوبه و کتب و اوراق صحافی شده جلددار یایی جلد و اوراق اختاریه و اعلانات و صورت قیمت اشیا و کلیه مطبوعاتی که از داخله بداخله ارسال میشود بدون ملاحظه عده اوراقی که در تحت يك لفاف بسته شده است باستثنای جرائد از قرار هر ده مقال یا کسر ده مقال دو شاهی است و وزن هر بسته هم نباید از چهار صد مقال تجاوز کند. اجرت ینی جرائدی که از داخله بداخله ارسال میشود هم از يك نمره و وابسته نصف حقوق مذکور در فوق است.

مخبر - در این ماده يك اصلاحی در کمیسیون شده که فراموش شده است طبع و توزیع بشود و آن اصلاح این است که عرض میکنم اجرت ینی جرائدی که ارسال میشود از قرار هر دوازده مقال یا کسر دوازده مقال يك شاهی است.

نایب رئیس - میفرمایند در عوض ده مقال ۱۲ مقال باید نوشته شود.

مخبر - بلی
سر دار معظم - نظر بنده همین بود که آقای مخبر فرمودند بنده عقیده ام این است که اگر در عوض دوازده مقال که فرمودند چهارده مقال نوشته شود بهتر است بجهت اینکه نظری که ما در اینجادریم در واقع ترویج جرائد است و نظری دیگر نداریم مثلاً وقتی که بخواهند يك روزنامه را بيك جایی بفرستند يك لفافی باو می پیچند که تا بقصد برسد ضایع نشود و گمان میکنم که چهارده مقال بهتر باشد زیرا يك روزنامه چند ورقی که لفافی هم داشته باشد کمتر از ۱۴ مقال نخواهد شد البته از باب جراید بهتر مسبق هستند.

نایب رئیس - آقای مخبر این اصلاح (۴) مقال را قبول مینمایند ؟

مخبر - بنده خودم شخصاً برای روزنامه هائیکه از داخله بداخله ارسال میشود يك عقیده دارم و آن این است که این چهارده مقال را که فرموده اند از برای يك نمره خوب است نه اینکه چندین نمره جریده را روی هم بگذارند و آن وقت از قرار ۱۴ مقال اجرت ینی بدهد زیرا ممکن است که يك روزنامه تأسیس شود که هشت ورق باشد آن وقت آن روزنامه از دوازده مقال زیادتر میشود پس این چهارده مقال که فرمودند از برای يك نمره خیلی خوب است یعنی اگر يك نمره روزنامه چهاره مقال شد يك شاهی بدهند.

محمد هاشم میرزا - چنانچه در کافند يك حدی قرار دادیم که باید و وزنش دو مقال باشد و اگر از دو مقال تجاوز کند آن اضافه را از قرار يك مقال يك مقال حساب میکنم در جرائد هم مقتضی این است که حدش را دوازده مقال قرار بدهند و اگر از دوازده مقال تجاوز کرد از فرانش مقال شش مقال حساب کنند و همچنانکه در یا کت اگر از دو مقال تجاوز کند يك مقال يك مقال حساب بکنند در جرائد هم ممکن است ماخذ را ۱۲ مقال قرار بدهیم و اضافه را از قرار شش مقال که نصف دوازده مقال است معین کنیم که از دوازده مقال صد دینار اخذ شود و از هر شش مقال یا کسر شش مقال که اضافه میشود يك شاهی اخذ شود.

مخبر - ملاحظه میفرمایند اگر قیمت هر دوازه مقالی صد دینار بود هبب نداشتن ممکن بود باین ترتیب نوشته شود اما بهم جهت قیمت هر دوازده مقال يك شاهی است و نمی شود شش مقال شش مقال بالا رفت.

نایب رئیس - ماده (۱۹) قرائت میشود رأی میگیریم.

(مجدداً ماده مزبور با تبدیلی لفظ ده مقال به دوازده مقال قرائت شد)

مخبر - اشتباه شده است از برای مطبوعات همان ده مقال است دوازده مقال فقط راجع بجراید است.

نایب رئیس - پس ماده را تصحیح بکنید تا رأی بگیریم عجبالتاً تا آقای مخبر ماده ۱۹ را اصلاح میکنند ماده بیستم قرائت میشود ماده ۲۰

ماده (۲۰) بجرائد و کتب و کلیه مطبوعاتی که در یا کت سرباز ارسال میشود و حقوق معینه در فصل ۱۹ این قانون تعلق میگردد ولی اختصاص این قسم مرسولات بر این است که حقوق ینی آن از دوشاهی کمتر نمیشود کارتهای (ویزیت) که بترتیب مذکور ارسال میشود بهر خطی نوشته شود محل ایراد نیست بشرط آنکه هیچ ورقه چاپی یا شبی دیگری به همراهی او ارسال نشود.

نایب رئیس - در این ماده مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد)

آقایانی که این ماده را تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

(فقره اولی از فصل ۲۱ بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل (۲۱) حقوق معصوره معینه در فصل ۱۹ بقدرات ذیل تعلق نمیکرد.

اولاً مطبوعاتی که قائم مقام و جوه نقدینه باشند **نایب رئیس** - در قسمت اول مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد).

قسمت ثانی خوانده میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)
ثانیاً مطبوعاتی که مضامین حکم مرسولات شخصی را داشته باشد و برای گیرنده يك قسم اختصاصی را داشته باشد.

نایب رئیس - آقای حاج شیخ یوسف در قسمت ثانی فرمایشی دارید ؟

حاج شیخ یوسف - بلی در این فصل تصریح میکنند که حقوق مفید در فصل ۱۹ باین اشیا تعلق نمیکرد آن حقوقی که تعلق میگردد کدام است چون آن حقوقی را که بآنها تعلق میگردد تصریح ندارد محتاج بيك ماده است که معین کند کدام حق بآنها تعلق میگردد.

نایب رئیس - آقای مخبر توضیح خواهند داد **معتمد السلطنه** - در اینجا محتاج نیست که ذکر شود کدام حق بآنها تعلق خواهد گرفت بجهت اینکه اینها حکم کافند های معمولی دارد و بهمان ترتیبی که برای آنها ذکر شده است رفتار میشود منتهی ما در جرائد و مطبوعات يك تخفیفی از برای ترویج آنها قائل شدیم در این جا مقصود این است که این قبیل مطبوعات از آن ترتیب مستثنی هستند و محتاج بتصریح ماده قبل نیست.

حاج شیخ یوسف - در اینجا می نویسد از مطبوعاتی که قائم مقام و جوه نقدینه باشند حقوق معینه در فصل ۱۹ گرفته نخواهد شد و حقوق عادی از آنها گرفته میشود مقصود این است این مطبوعات که قائم مقام و جوه نقدینه هستند و حقوق عادی که از آنها گرفته میشود چه قسم مطبوعاتی خواهند بود.

مخبر - این قبیل مطبوعات مثل این است که يك اسکانس را جوف یا کت گذارند باشند و بخواهند بفرستند همانطوریکه در مواد قبل ذکر شد باید حق الضمانه بدهد والا اگر بنا باشد بطور معمولی فرستاده شود ضبط خواهد شد.

سر دار معظم - بمقیده بنده حق با آقای حاج شیخ یوسف است وقتی که مطلبی را از بيك قانونی استثنا میکنند باید در خود آن ماده هم بنویسند که چه حقوقی بآنها تعلق خواهد گرفت مطلب توضیح میشود و به چه وجه قابل اشکال نخواهد بود.

نایب رئیس - پیشنهادی دارید بفرمائید.

سر دار معظم - خیر.

نایب رئیس - پس میگذریم - فقره سوم قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ثالثاً - مطبوعاتی که دارای بعضی علائم هستند که بتوسط آنها که شخصی مقاصد شخصی خود را بیکدیگر اظهار مینمایند.

سر دار معظم - این اشکالی که شد راجع بتمام ماده است اولاً وثانیاً وثالثاً راجع بتمام اینها باید ولی در اینجا که استثنا میکنند باید معین شود که نوشته شود حقوق فوق بر اینها تعلق نمیکرد و مطابق

ماده فلان رفتار خواهد شد.

حاج شیخ اسد الله - بنده تصور میکنم که اگر باین منوال در این ماده رأی بگیریم کسی رأی ندهد و این ماده حذف شود خوب است بر گردد بکمیسیون و در آنجا اصلاح شود بجهت اینکه نسبت بهر يك از مستثنیات حقوق مختلف و متفاوت تعلق میگردد مثلاً مطبوعاتی که در حکم حقوق نقدی است که در این جا مستثنی میشود تکلیفشان معلوم نیست این است که بنده تقاضا می کنم در این ماده رأی گرفته نشود و بر گردد بکمیسیون اصلاح شود که اگر رأی گرفته شود حذف شود بد است.

مخبر - در فصل (۱۶) گمان می کنم تصریح شده باشد بملاره نوشتجات از دو قسم خارج نیست یا نوشتجات معمولی است یا مطبوعات است مطبوعات را که ما نوشته ایم حقوق مخففه بآنها تعلق می گیرد و از نوشتجات معمولی هم که نوشته شده است از هر دو مقال ۶ شاهی گرفته می شود و حقوق یا کت سفارشی و غیره هم که معین شده است حالا اینها اگر بطور مطبوع است که همان حقوق مخففه بآنها تعلق می گیرد اگر بطور مطبوعات معمولی نباشد ناچار در حکم نوشتجات خواهد بود و حقوق یا کت از آنها گرفته خواهد شد دیگر در این جا محتاج بتوضیح نیست.

سر دار معظم - اگر ما بخواهیم این مستثنیات را مو کول کنیم بماده (۱۶) بعضی چیزها را شامل است و بعضی اشیا را شامل نیست و عقیده بنده این است که باید در خود ماده تصریح شود که بهر يك از این اشیا چه حقوقی تعلق می گیرد این اصلاح هبارتی است ضرر ندارد و اصلاح شود.

معاون وزارت پست و تلگراف - چون در فصل سابق تخفیفی بمطبوعات قائل شده است در این فصل می خواهد رد کند و بگوید این قبیل مطبوعات حکم مطبوعات را نخواهد داشت و آن تخفیف داده نخواهد شد و بجهت اینست که اینست که این مطبوعات در او هست و حکم مرسولات خواهد داشت دیگر در این ماده محتاج بتوضیح نیست بجهت اینکه در ماده قبل ذکر کرده است که مرسولات چه حکم را دارد اما اینکه می فرمایند در این ماده ذکر شود و بجهت قیمت مرسولات و محمولات تماماً در ماده قبل قید شده و این اشیا هم از چند حال خارج نمی شد بعضی حالت یا کت سفارشی را پیدا می کنند حقوق یا کت سفارشی هم که در آنجا نوشته شده و از آنها گرفته می شود و همینطور آن مطبوعاتی که قائم مقام و جوه نقدینه باشد حالت و جوه نقدینه را دارد و حق الضمانه را که در این قانون معین کرده اند باید بدهند پس فقط مقصود از این ماده استثنا کردن مطبوعاتی است که حکم مطبوعات را ندارد تکلیف غیر مطبوعات هم در مواد قبل معین شده و معلوم است بهر يك از آن اشیا چه حقوقی تعلق میگردد در این جا هم همانطور رفتار خواهد شد.

سر دار معظم - باین منوال است که در این ماده تصریح می فرمایند که در این ماده رأی بگیریم کسی رأی ندهد و این ماده حذف شود خوب است بر گردد بکمیسیون و در آنجا اصلاح شود بجهت اینکه نسبت بهر يك از مستثنیات حقوق مختلف و متفاوت تعلق میگردد مثلاً مطبوعاتی که در حکم حقوق نقدی است که در این جا مستثنی میشود تکلیفشان معلوم نیست این است که بنده تقاضا می کنم در این ماده رأی گرفته نشود و بر گردد بکمیسیون اصلاح شود که اگر رأی گرفته شود حذف شود بد است.

مخبر - در فصل (۱۶) گمان می کنم تصریح شده باشد بملاره نوشتجات از دو قسم خارج نیست یا نوشتجات معمولی است یا مطبوعات است مطبوعات را که ما نوشته ایم حقوق مخففه بآنها تعلق می گیرد و از نوشتجات معمولی هم که نوشته شده است از هر دو مقال ۶ شاهی گرفته می شود و حقوق یا کت سفارشی و غیره هم که معین شده است حالا اینها اگر بطور مطبوع است که همان حقوق مخففه بآنها تعلق می گیرد اگر بطور مطبوعات معمولی نباشد ناچار در حکم نوشتجات خواهد بود و حقوق یا کت از آنها گرفته خواهد شد دیگر در این جا محتاج بتوضیح نیست.

سر دار معظم - اگر ما بخواهیم این مستثنیات را مو کول کنیم بماده (۱۶) بعضی چیزها را شامل است و بعضی اشیا را شامل نیست و عقیده بنده این است که باید در خود ماده تصریح شود که بهر يك از این اشیا چه حقوقی تعلق می گیرد این اصلاح هبارتی است ضرر ندارد و اصلاح شود.

معاون وزارت پست و تلگراف - چون در فصل سابق تخفیفی بمطبوعات قائل شده است در این فصل می خواهد رد کند و بگوید این قبیل مطبوعات حکم مطبوعات را نخواهد داشت و آن تخفیف داده نخواهد شد و بجهت اینست که اینست که این مطبوعات در او هست و حکم مرسولات خواهد داشت دیگر در این ماده محتاج بتوضیح نیست بجهت اینکه در ماده قبل ذکر کرده است که مرسولات چه حکم را دارد اما اینکه می فرمایند در این ماده ذکر شود و بجهت قیمت مرسولات و محمولات تماماً در ماده قبل قید شده و این اشیا هم از چند حال خارج نمی شد بعضی حالت یا کت سفارشی را پیدا می کنند حقوق یا کت سفارشی هم که در آنجا نوشته شده و از آنها گرفته می شود و همینطور آن مطبوعاتی که قائم مقام و جوه نقدینه باشد حالت و جوه نقدینه را دارد و حق الضمانه را که در این قانون معین کرده اند باید بدهند پس فقط مقصود از این ماده استثنا کردن مطبوعاتی است که حکم مطبوعات را ندارد تکلیف غیر مطبوعات هم در مواد قبل معین شده و معلوم است بهر يك از آن اشیا چه حقوقی تعلق میگردد در این جا هم همانطور رفتار خواهد شد.

سر دار معظم - باین منوال است که در این ماده تصریح می فرمایند که در این ماده رأی بگیریم کسی رأی ندهد و این ماده حذف شود خوب است بر گردد بکمیسیون و در آنجا اصلاح شود بجهت اینکه نسبت بهر يك از مستثنیات حقوق مختلف و متفاوت تعلق میگردد مثلاً مطبوعاتی که در حکم حقوق نقدی است که در این جا مستثنی میشود تکلیفشان معلوم نیست این است که بنده تقاضا می کنم در این ماده رأی گرفته نشود و بر گردد بکمیسیون اصلاح شود که اگر رأی گرفته شود حذف شود بد است.

مخبر - در فصل (۱۶) گمان می کنم تصریح شده باشد بملاره نوشتجات از دو قسم خارج نیست یا نوشتجات معمولی است یا مطبوعات است مطبوعات را که ما نوشته ایم حقوق مخففه بآنها تعلق می گیرد و از نوشتجات معمولی هم که نوشته شده است از هر دو مقال ۶ شاهی گرفته می شود و حقوق یا کت سفارشی و غیره هم که معین شده است حالا اینها اگر بطور مطبوع است که همان حقوق مخففه بآنها تعلق می گیرد اگر بطور مطبوعات معمولی نباشد ناچار در حکم نوشتجات خواهد بود و حقوق یا کت از آنها گرفته خواهد شد دیگر در این جا محتاج بتوضیح نیست.

بهریک از این مستثنیات چه حقوقی تعلق میگیرد و حکم کدامیک از آن محمولات یستی را دارند و هیچ همچو چیزی در اینجا ذکر نشده چون ممکن است بعضی بگویند آن حق که برای پاکت سفارشی است باید شامل حال این اوراق بشود و بعضی بگویند باید حق پاکتهای هادی که شش شاهی است از این ها گرفته شود و بعضی ممکن است بگویند حقوق مخففه که در اینجا ذکر شد باید داده شود برای اینکه این اشکالات و اختلافات رفع شود خوب است در اینماده تصریح شود که این اشیاء از حکم فلان ماده مستثنی است و در حکم فلان ماده است این اشکالی ندارد پس معلوم است با خود ماده کسی مغالفت نمیکند و آنچه گفته میشود برای تکمیل ماده است

مخبر - بنده قبول میکنم که راجع شود بکمسیون و فقراتی که لازم است بآن ضمیمه شود.

نایب رئیس - آقای مخبر قبول کردند که اینماده برگردد بکمسیون و آن مطالبی که لازم است بآن ملحق شود ماده (۱۹) ثانیا قرائت میشود و رأی میگیریم ماده مزبور با اضافه جمله دوازده مثنی راجع بجرائد مجدداً قرائت شد.

نایب رئیس - رأی میگیریم به ماده (۱۹) باین مضمون که قرائت شد آقایانیکه باینماده موافقت قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

اگر مخالفتی نباشد چون ظهر است جلسه را ختم کنیم دستور جلسه آتی هم بقیه شور دوم قانون یستی و وقت آن روز سه شنبه ۲ ساعت قبل از ظهر است (مجلس موقع ظهر ختم شد)

جلسه ۴۹

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دوم شعبان ۱۳۲۳

مجلس دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای معذل الدوله نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز ۱ شنبه ۲۹ شهر رجب قرائت شد.

فائین بدون اجازه - آقای ناصر الاسلام

نایب رئیس - در صورت مجلس نظریاتی هست؟ (نظریاتی نبود) صورت مجلس تصویب شد - دستور امروز بقیه شور در قانون یستی - البته خاطر آقایان هست که در جلسه گذشته ماده چهاردهم قانون یستی رد شد بجای آن ماده آقای حاج عزالمالک پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ - امتیاز انحصاری طبع و فروش تمبر یستی و سایر علامات راجعه بحقوق یستی با دولت است طبع و تهیه تمبر بتوسط وزارت مالیه خواهد بود.

حاج عزالمالک - در جلسه قبل اینماده بدون قسمت اخیر که بنده اضافه کرده ام در موقع رای دادن رد شد چون بنده اساس این ماده را لازم میدانم گمان میکنم در این امر رأی داده شود زیرا باید تصدیق کرد که انحصار و امتیاز طبع و فروش تمبر با دولت است و اشخاص متفرقه حق ندارند که تمبر را طبع نموده بفروش برسانند یا یک نوع علامات یستی نمایند و اگر یک همچو ماده طرح نکنیم و در

قانون یستی ننگداریم اسباب اشکال خواهد شد و اساساً آقایان تصدیق خواهند فرمود که در قانون یستی یک همچو ماده لازم است منتها بعضی نظریات در این بود که این ماده رد شد و گمان میکنم باعث رد شدن این ماده این بود که شاید اغلب نمایندگان صلاح نمیدانستند اداره یستی مستقلاً خودش هم تمبر را تهیه و طبع کند و هم خودش بمصرف فروش برساند بجهت اینکه شاید آن وقت آن نظارت واقعی حکم باید از طرف دولت در محاسبات آن بشود نمی شد باین دلیل بنده یک قسمتی بآخر اینماده اضافه کرده ام که همانطوری که در قانون تشکیلات مالیه گفته شد تهیه و طبع تمبر با وزارت مالیه باشد و این مسئله در قانون یستی هم باید تصریح شود چون فروش تمبر منحصراً بداره یستی نیست و در اغلب ادارات ما مثل عدلیه و اداره تذکره و همچنین سایر وزارتخانه ها معمول است و هر کدام یک ترتیبی استعمال تمبر می کنند منتها اداره یستی هم بترتیب خودش استعمال مینماید فرض بفرمائید اگر بنا شود هر وزارتخانه آن تمبری را که میخواهد بمصرف برساند خودش تهیه نماید آن مرکزیتی که ما در نظر داریم و آن محاسبات که از حیث نگاهداری تمبر از طرف دولت باید بشود بکلی از میان می رود باین دلیل باید مرکز آن وزارت مالیه باشد و از وزارت مالیه بهر یک از وزارتخانه ها که تمبر لازم دارند تقسیم شود محققاً اشکال آن تمبر ها هم لابد فرق دارد و هر وزارتخانه یک قسم تمبر باید استعمال نماید وزارت مالیه باید برای این کار مرکزیت داشته باشد که بتواند محاسباتش را بخوبی نگاه بدارد که چقدر طبع شده و بهر یک از وزارتخانه چقدر تحویل داده شده است که هر وقت حساب آن را بخواهد آن اداره بزودی صورت حساب آنرا بدهند بنا بر این فروش تمبر باین دلایل که عرض شد با دولت خواهد بود و اشخاص مختلفه نباید در اینخصوص مداخله نمایند و مرکزیت آنهم در وزارت مالیه باید باشد.

نایب رئیس - اگر آقای مخبر موافقت میفرمایند ارجاع بکمسیون شود.

مخبر - رأی بگیریید.

نایب رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای حاج عزالمالک را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - ارجاع می شود بکمسیون ماده ۲۲ قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۲ - حقوق یستی مستوره جات تجارتی که در زمان تحویل حقوقش پرداخته شود و مبداء و مقصد آن در داخله مملکت باشد از قرار ده مثنی یا کسرده مثنی دوشاهی است ولی وزن مستوره جات از ۷۵ مثنی نباید زیادت باشد.

حاج شیخ محمد حسن - در اینجا که نوشته است (ولی وزن مستوره جات از ۷۵ مثنی نباید زیادت باشد) اگر مقصودشان این است که از ۷۵ مثنی نباید زیادت باشد کلمه (ولی) زیادی است بلکه موهم معنی دیگر است باید اینطور نوشته شود از قرار ده مثنی یا کسرده مثنی دوشاهی

است و وزن مستوره جات از ۷۵ مثنی نباید زیادت باشد لفظ (ولی) در اینجا موهم معنی دیگر است.

نایب رئیس - این اصلاح عبارتی است همین طور اصلاح میشود.

آصف الممالک - در اینجا که نوشته شده (حقوق یستی مستوره جات تجارتی که در زمان تحویل حقوقش پرداخته میشود) ضرر ندارد (نوشته شود حقوق یستی مستوره جات تجارتی که در زمان تحویل پرداخته میشود.)

نایب رئیس - در کمسیون اصلاح می شود رأی می گیریم بماده ۲۲ آقایانی که تصویب میفرمایند قیام خواهند فرمود.

(عده کثیری قیام نمودند)

(ماده ۲۳ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۳ - حقوق معینه در فصل سابق به مستوره جاتی تعلق می گیرد که دارای قیمت تجارتی نباشد و روی خود مستوره یا نوار و لفاف آن چیزی دیگری جز اطلاعات ذیل نوشته نشده باشد عنوان گیرنده - اسم فرستنده - علامت کارخانه یا علامت مخصوص تاجر - نمره - قیمت - اطلاعات راجعه به وزن و طول و حجم و مقدار مال التجاره که نقداً از آن جنس حاضر است و اطلاعات راجعه و مبداء و جنس مال التجاره.

نایب رئیس - در اینماده ۲۳ نظری نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانیکه موافقت قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است - ماده ۲۴ قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - حقوق متعلقه با اوراق کار که در زمان تحویل حقوق یستش ادا میشود و مبداء و مقصدش در داخله مملکت است از قرار ده مثنی یا کسرده مثنی دوشاهی است و وزن این بسته ها از چهارصد مثنی نباید تجاوز کند اقل میزان حقوق یستی هر بسته اوراق کارش شاهی است.

نایب رئیس - در اینماده هم نظری نیست آقایانی که ماده ۲۴ را تصویب می فرمایند قیام خواهند فرمود.

(اغلب قیام نمودند و ماده مزبوره تصویب شد)

ماده ۲۵ - تعیین شرایط جنس و شکل و اندازه کارت های یستی و بسته های جراید و ضمیمه های جراید و سایر مطبوعات و مستوره جات تجارتی و اوراق کار با اداره یستی است اداره یستی مجاز است که از حیث شرایط و تعرفه کارت هایی را که اشخاص مختلفه می سازند مثل کارت های یستی ملاحظه نماید.

نایب رئیس - گویا آقایان در این ماده هم نظری ندارند - رأی میگیریم در ماده (۲۵) آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

ماده ۲۶ - حقوق مقرر در فصل ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۴ این قانون بجراید و مطبوعات و مستوره جاتی و اوراق کاری تعلق می گیرد که در زمان تحویل دادن بیست خانه تمبر روی آنها الصاق شده باشد و بادر نوارهای تمبر دار پیچیده شده باشد آنهایی که در زمان ارسال ابتدا تمبر روی آنها الصاق نشده باشد